



►		—	مربط سازی بر اساس		جستجو در منی
----------------	----------------------------	----------------	-------------------	----------------------------	--------------



	جستجو در درختواره
----------------------------	-------------------

خارج فقه
خارج اصول
اخلاق
تفسیر
عقاید

44 - ادامه مسئله 13 - 22/09/85

«حدیث اخلاقی: ادخال سرور بر قلب مؤمن»

متن حدیث:

عن جابر بن یزید (محل بحث است ولی بعضی او را توثیق کرده اند و به نظر می رسد این که محل کلام واقع شده به این جهت است که از ضحفا نقل می کرده است) **عن ابی جعفر(علیه السلام)** **قال: تبسّم المؤمن فی وجه أخیه حسنة و صرفه القذی عنه حسنة و ما عبُد الله بمثل إدخال السرور علی المؤمن.(1)**

ترجمه حدیث:

امام باقر(علیه السلام) می فرماید: تبسّم مؤمن به صورت برادر مؤمنش حسنه است و زدودن آنچه برچهره اوست حسنه است و هیچ عبادتی مانند ادخال سرور بر قلب مؤمن نیست.

شرح حدیث:

یکی از آداب معاشرت اسلامی بر خلاف آنچه دشمنان تبلیغ می کنند، مسئله محبّت و برخورد خوب است که در این حدیث به سه نمونه از آن اشاره شده است:

1-تبسّم به چهره برادر مؤمن:

تبسّم مؤمن به صورت برادر مؤمنش حسنه است و برای او ثواب می نویسند.

2-زدودن غم و اندوه از چهره مؤمن:

«قذی» در لغت معنی وسیعی دارد، خیلی آن را به معنی خاشاک در چشم می دانند ولی اصولاً خاشاکی را که در چشم و یا در صورت یا در طرف آب قرار می گیرد و مزاحم است قذی می گویند و این جمله به این معنی است که اگر غیاری را که به صورت برادر مؤمنت نشسته پاک کنی ثواب و حسنه است.

3-ادخال سرور بالاترین عبادات:

هیچ عبادتی بالاتر از ادخال سرور بر قلب برادر مؤمن نیست.

یکی از مشکلات مردم که آنها را از کار باز می دارد، حالات غم و اندوه و افسردگی است که برای همه پیش می آید و عوامل مختلفی مانند مشکلات خانوادگی، اقتصادی، جسمی و ... دارد. اگر عوامل غم و اندوه تشدید شود به افسردگی که نوعی بیماری است، تبدیل می شود.

ایمان به خدا و توکل به او، یکی از عوامل مهمّی است که جلوی افسردگی را می گیرد، چرا که شخص با ایمان، خدا را کسی می داند که مشکل ترین مشکلهای برای او آسان است، کسی که چنین فکر کند مأیوس نمی شود چون در هر قدمی فرجی است و خدا می تواند همه چیز را دگرگون کند؛ حال اگر ضعیف النفس باشد یا اندک مشکلی مأیوس و ناراحت می شود، حال اگر مطابق روایت با لفظ یا با عمل او را خوشحال کند از هر عبادتی بالاتر است.

در داستان حضرت موسی بن جعفر(علیه السلام) آمده است که مردی از اهل ری خدمت آن حضرت رسید و عرض کرد که مالیات سنگینی بر او قرار داده شده و از عهده او خارج است و فرماندار ری از موالیان حضرت است.

حضرت نامه ای نوشته و به دست آن مرد دادند و مرد نامه را گرفت و پیش فرماندار رفت و نامه حضرت را به او داد؛ فرماندار نامه را بوسید و بر چشم خود گذاشت و مشکل او را حل کرد و نصف اموالش را به او داد.

آن مرد سال بعد به حج رفت و امام را ملاقات کرد و داستان را با حضرت بازگو نمود، حضرت خوشحال شد، آن مرد عرض کرد آیا شما را خوشحال کرده؟ حضرت فرمود من و پدرانم و رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و خداوند را خوشحال کرد پس حضرت او را دعا کرد.

این نمونه ای از ادخال سرور است که از مهمترین عبادات است.

گروهی اشتباه کرده و ادخال سرور را از راه گفتی مطالب نامناسب و دروغ و تهمت ها می دانند که این صحیح نیست،

با وجود این تعالیم محبّت آمیز چگونه بعضی ما را متهم به خشونت می کنند؟!

انتخابات:

انتخابات در دنیای امروز مسئله ای سرنوشت ساز و حیاتی است و تمام مقدرات یک ملت با انتخابات مرتبط است. مسائل سیاسی، اقتصادی، عمرانی، اجتماعی و فرهنگی با انتخابات گره خورده و یک انتخابات ممکن است سرنوشت مملکت را عوض کند. کسانی که خودشان را از انتخابات کنار می کشند کسانی هستند که به سرنوشت خود اهمیّت نمی دهند، ما اهل دین باشیم یا دنیا باید در انتخابات حاضر باشیم تا سرنوشت خود و جامعه خود را تعیین کنیم و این از واضحات است و همه باید در صحنه حاضر شوند و وظیفه همه است، حتّی مخالفین نظام هم باید شرکت کنند، چون به مملکت و عاقبت خودشان علاقه مند هستند. در مورد انتخابات باید به دو نکته توجه شود:

1-هر که را انتخاب می کنیم در عمل او شریک هستیم و باید جواب گو باشیم. به همین جهت باید به کسی رأی دهیم که می دانیم به درد مملکت می خورد. باید دنبال کسی برویم که فردای قیامت بتوانیم جواب گو باشیم؛ البته وسواس هم لازم نیست و در بین موجودین آن که اقرب و احسن الموجودین است انتخاب کنیم، پس نه گرفتار وسواس شویم و نه گرفتار بی اعتنائی و جناح بازی.
2- انتخابات باید سالم و توأم با آرامش و بدون هیچ خلاف و تقلّب باشد و بر هم زدن آرامش صحیح نیست.
ملت ما امتحان خود را پس داده و جنگالهایی که در انتخابات در کشورهای دیگر هست در کشور ما نیست.

شرکت در انتخابات برای ما علاوه بر آنچه گفته شد، مطلب مهمّ دیگری هم دارد و آن این که معیار نفوذ نظام و وفاداری مردم را به نظام از انتخابات می سنجند یعنی علاوه بر سرنوشت داخلی سرنوشت خارجی ما هم به آن گره خورده است.

بحث در مسئله 13 از مسائل استطاعت دارای دو فرع و فرع اوّل گرانی زاد و راحله بود که سه صورت دارد: گاه گرانی عام است (همه جا گران شده) و گاه گرانی

خاص است (من گرفتار شخص بی انصاف شده ام) و صورت سوّم گرانی بر اثر عوارض و شرایط خاص است (مثل این که ناچار است کرایه دربست بدهد).

فرع دوّم هم در مورد ارزانی مضرّ بود به این بیان که شخص مستطیع است ولی اجناس او را ارزانتر از قیمت می خرنند.

فرع اوّل: گرانی زاد و راحله

اقوال:

در مورد گرانی زاد و راحله سه قول است:

قول اوّل: بعضی معتقدند اعتنا به گرانی نکند و زاد و راحله را بخرد و اگر نمی تواند مستطیع نیست.

قول دوّم: بعضی معتقدند اگر مطابق مَن الملل است بخرد و اگر نیست لاضرر. جلوی آن را می گیرد و مستطیع نیست.

قول سوّم: قول به تفصیل است به این بیان که اگر خیلی سنگین نیست بخرد و مستطیع است و جایی که خیلی سنگین است مستطیع نیست.

در مورد قول اوّل ادّعای شهرت شده و مرحوم صاحب حدائق می فرماید:

المشهور فی کلام الأصحاب أنّه لو لم یکن له زاد و لاراحلة لکنّه واجد للثمن فانه یجب علیه شراؤهما و إن زاد عن مَن الملل وقیل إنّ متی زادت قيمة الزاد و الراحلة عن مَن الملل لم یجب الحج.(2)

مرحوم صاحب جواهر می فرماید:

و الأوّل (وجوب) أشهر و أصح بل هو المشهور شهرة عظيمة سیما بین المتأخرین نعم عن التذکرة إن کانت الزیادة تجحف مهاله لم یجب الشراء علی إشکال کشره الماء للوضوء.(3)

مرحوم شیخ طوسی می فرماید:

فإن وجهه (زاد) یتمن یضر به و هو أن یكون فی الرخص بأكثر من مَن ملته و فی الغلاء مثل ذلک لم یجب علیه.(4)

قول مشهور قول وجوب و قول شیخ در مبسوط عدم وجوب و قول علّامه در تذکرة تفصیل است.

در مورد اقوال عامّه این قدامه می گوید:

و الزاد الذی تشرط القدرة علیه ... فإن کان یملکه أو وجهه بیاع بثمان الملل فی الغلاء و الرخص أو زیادة یسیره لا تجحف مهاله لزمه شراوه و إن کانت تجحف مهاله لم یلزمه.(5)

عامّه هم بین مجحف و غیر مجحف تفصیل داده اند.

دلیل: اطلاعات استطاعت

عمده دایل برای قائلین به وجوب، ادّله استطاعت است که می گوید اگر دارد بخرد و اگر ندارد مستطیع نیست و تعبیر «ما یحج به» و «له زاد و راحله» که در روایات آمده مطلق است و ما نحن فیه را شامل می شود و مطابق اطلاق باید عمل کنیم.

^[1] وسائل، ج 8، ح 2، باب 84 از ابواب العشرة

^[2] ج 14، ص 77 و 78

پی نوشت:

تاریخ انتشار: « 1279/01/01 »

مطالب مرتبط

128- م 46(توقف تخلیه السرب علی قتال العدو) - 16/03/86

127- ادامه مسأله 45 - 13/03/86

126 - ادامه مسأله 45 - 12/03/86

125 م 45 (ترك الحج مع وجود الشرايط و اتيانه مع فقد بعضها) - 08/03/86

124 - ادامه مسأله 44 - 07/03/86

123 - ادامه مسأله 44 - 06/03/86

* متن

تعداد بازدیدکنندگان : ۱۸۶۷



فارسی

العربية

اردو

Azerbaijani

Русский

English

Español

Français